

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۵۵ - شنبه ۹۱/۱۱/۱۴

#### نقد و بررسی کلام مرحوم نائینی

موضوع معصیت قطعی چه نوع وصولی است؟ آیا وصول به علم تفصیلی نیاز است یا وصول إجمالي کافی است؟ تمام نکته در این مطلب است؛ می‌دانیم تکلیف واصل به علم تفصیلی قابل ترخیص نیست زیرا چنین عملی لغو است، اما حکمی که به نحو تفصیل واصل نشده و إجمالاً واصل شده است عقلاً و ثبوتاً چه مانعی وجود دارد مولا از باب تسهیل با اجرای برائت از لزوم امتثال حکم رفع ید کند؟ چنین چیزی گاهی در عرفیات واقع می‌شود که در عین فعلیت حکم، اگر آن حکم مشتبه شود از حکم رفع ید می‌شود؛ مثلاً پدری به فرزندش دستور می‌دهد که فلان کتاب را از کتاب‌خانه بیاورد و اگر نتوانستی آن کتاب را تفصیلاً شناسایی کنی از الزام به آوردن کتاب صرف نظر می‌کنم، چنین کاری ترخیص در معصیت نیست بلکه رفع ید از حکم در صورت مشتبه شدن فرد کتاب است و همان ملاک جمع حکم ظاهری و واقعی که در شبهات بدویه ذکر شده است در ما نحن فیه نیز اعمال می‌گردد.

بنابراین کلام محقق نائینی رحمته الله ناتمام است و ترخیص در معصیت رخ نمی‌دهد، بلکه ترخیص در ترک تکلیف واصل به علم إجمالي است و این ترخیص عقلاً محذور ندارد بلکه ترخیص در حکم واصل به علم تفصیلی محذور دارد.

#### بیان محقق عراقی رحمته الله در علت تامه بودن علم إجمالي در حرمت مخالفت قطعیه

محقق عراقی رحمته الله معتقدند<sup>۱</sup> اساساً نمی‌توان تصور کرد فرقی میان علم إجمالي و تفصیلی در منجزیت وجود

۱. نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۳۰۶.

دارد؛ به دلیل آنکه ابهام از ناحیه‌ی علم إجمالي در خصوصياتی است که دخلی در به عهده آمدن تکلیف ندارد و إجمالي که در مورد علم إجمالي وجود دارد نقشی از حیث اشتغال ذمه به تکلیف یا عدم آن ندارد.

نکته‌ی این مطلب آن است که آنچه موضوع اشتغال ذمه است علم به امر و نهی صادر از مولا می‌باشد اما خصوصیت اینکه این امر به چیزی تعلق گرفته است هیچ دخالتی در اشتغال ذمه و منجزیت ندارد.

به عنوان مثال زمانی که مکلف علم دارد در زوال روز جمعه امری از ناحیه‌ی مولا صادر شده است کافی است تا ذمه‌ی او مشتغل شود، اما خصوصیت اینکه نماز جمعه بر او واجب است یا نماز ظهر، دخالتی در اشتغال ذمه ندارد؛ به دلیل آنکه امر بماهو امر اشتغال ذمه می‌آورد نه امر به خصوص صلاة جمعه یا خصوص صلاة ظهر؛ مکلفی که خود را موظف می‌داند به دلیل نفس امر خود را مشغول الذمه می‌داند.

بنابراین در موارد علم إجمالي آنچه که در اشتغال ذمه مؤثر است در واقع با علم تفصیلی معلوم است؛ به دلیل آنکه مدار اشتغال، علم به نفس امر یا نهی است و لذا علم إجمالي و تفصیلی از حیث کاشفیت نسبت به آنچه که ملاک اشتغال است تفاوتی ندارند.

نتیجه آنکه در موارد علم إجمالي از آنجا که نفس الزام تفصیلاً معلوم است ذمه مشغول خواهد شد و وقتی ذمه‌ی مکلف مشتغل شود مکلف باید از عهده‌ی آن برآید، در نتیجه نمی‌توان در تمام اطراف علم إجمالي برائت جاری کرد و مناقضه‌ی یرتکازیه میان برائت در تمام اطراف و حکم معلوم بالاجمال وجود دارد.

### نقد و بررسی فرمایش محقق عراقی رحمته الله

فرمایش محقق عراقی رحمته الله نیز قابل مناقشه است و می‌توان گفت: اینکه فرمودند ملاک و مدار تنجیز علم به امر یا نهی است و خصوصیات امر و نهی، خارج از تأثیر تنجیز است، صحیح نیست؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد عقل مانعی نمی‌بیند که مولا زمانی که متعلق امر او تفصیلاً معلوم نیست ترخیص در ترک بدهد.

به تعبیر دیگر اگر مقصود محقق عراقی رحمته الله عدم جریان خصوص قبح عقاب بلا بیان است سخنی قابل قبول است؛ زیرا با وجود علم إجمالي از آنجا که بیان در اصل امر یا نهی تمام است این قاعده جاری نیست، اما بحث بر جریان اصول مؤمنه‌ی شرعیه است و تنها از جهت ثبوتی این مسئله مطرح است که آیا عقل مناقضه و محذوری در این ترخیص مولا در شرایطی که متعلق امر مولا مردد است می‌بیند؟ خیر، عقل هیچ محذور و مناقضه‌ای نمی‌بیند و مولا می‌تواند بیان کند امری که به مکلف واصل شده است اگر متعلق آن تفصیلاً روشن است باید امتثال شود ولی اگر این تکلیف به واسطه‌ی اشتباه در متعلق، مستلزم تحمیل زحمت مضاعف گردد می‌تواند آن را ترک کند. بنابراین بیان محقق عراقی رحمته الله تمام نیست.

تاکنون به این نتیجه رسیدیم که نفس علم إجمالي، مانع اجرای اصل در تمام اطراف نخواهد بود و از جهت عقلی در عالم ثبوت، مانعی از اجرای اصل در تمام اطراف وجود ندارد. اما آیا اثباتاً مانع یا مشکلی از اجرای اصل در تمام اطراف وجود دارد؟

به تعبیر دیگر اجرای اصل در اطراف علم إجمالي عقلاً محال نیست، اما در عالم استفاده از ادله مشکلی در جریان اصول در تمام اطراف وجود دارد یا خیر؟

اصوليون نوعاً محذوری برای جریان اصل در تمام اطراف اثباتاً ذکر نکرده‌اند و برخی تصریح کرده‌اند که اگر مناقضه‌ی عقلیه (عالم ثبوت) نبود اطلاق یا عموم ادله‌ی براءت، تمام اطراف شبهه را فرا می‌گرفت و تنها محذور مناقضه ما را از اخذ به اطلاق یا عموم باز می‌دارد.

### **بیان برخی از معاصرین در وجود مانع اثباتی بر عدم ترخیص در تمام اطراف**

بعض از محققین معاصر<sup>۱</sup> بعد از تسلیم اینکه محذور ثبوتی در جریان اصل در تمام اطراف علم إجمالي لازم نمی‌آید، فرموده‌اند که از جهت اثباتی گرفتار محذور هستیم و نمی‌توانیم در تمام اطراف علم إجمالي اصل را جاری بدانیم. بیان‌های متعددی ارائه شده است که آنها را ذکر می‌کنیم:

### **بیان اول در محذور اثباتی**

حاصل بیان اول آن است که غرض تسهیل آنچنان نیست که به حسب نظر عقلایی بتواند رافع حکم الزامی واصل گردد. به تعبیر دیگر أغراض ترخیصیه در ارتکاز عقلاً نمی‌تواند أغراض الزامیه‌ی معلومه را رفع کند، هر چند عقل فلسفی مشکلی در آن نمی‌بیند.

حال که در انظار عقلاً أغراض تسهیلیه و ترخیصیه این مقدار قدرت ندارد که رافع أغراض الزامیه باشد لامحاله قرینه‌ی لیبیه‌ی ارتکازیه‌ی عقلائیه ساخته می‌شود که تمام اطلاقات ادله را تقیید می‌زند؛ مثلاً «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» اطلاقی دارد که شامل همه‌ی اطراف علم إجمالي می‌شود و به حسب عقل و حاقّ لفظ می‌توان در همه‌ی اطراف، براءت جاری کرد، ولی به دلیل وجود آن ارتکاز راسخ که قرینه‌ی لیبیه‌ی عقلائیه‌ی است در این اطلاق تصرف می‌شود و کأنّ شارع فرموده است: رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ إلّا در تمام اطراف علم إجمالي. و اما اینکه آیا براءت در بعض اطراف جاری است یا خیر، در آینده بحث خواهد شد إن شاء الله.

**مقرر: سید حامد طاهری**

۱. شهید صدر، بحوث فی علم الأصول، ج ۵، ص ۱۸۱.